

بررسی موانع درون سازمانی موثر در عدم توسعه انجمنهای صنفی روزنامه‌نگاری ایران؛ مقایسه با کشورهای توسعه یافته

سارا محمدپور، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

s.mohamadpour@gmail.com

چکیده

تاریخچه‌ی انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری ایران - از گذشته تا کنون - گواهی بر این قضیه است که این انجمن‌ها به توسعه‌ای که باید دست نیافته‌اند. متولد شده‌اند و - دیر یا زود - قبل از آنکه به سازمانی بالغ تبدیل شوند، به تعطیلی خودساخته یا دیگرساخته دچار شده‌اند.

در این مقاله به بررسی تاثیر موانع درون‌سازمانی در عدم توسعه‌ی انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری در ایران و مقایسه‌ی آن با کشورهای توسعه‌یافته پرداخته می‌شود. موانع درون‌سازمانی آن دسته از موانعی هستند که شکل‌های صنفی رسانه‌ای به عنوان یک سیستم، از درون و اجزای تشکیل دهنده‌ی خود، درگیر آن هستند. روش تحقیق پیمایشی است و جامعه‌ی آماری تحقیق را اساتید، روزنامه‌نگاران و اعضای هیات مدیره‌ی انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری در ایران و کشورهای توسعه یافته تشکیل می‌دهند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که موانع درون‌سازمانی در عدم توسعه‌ی شکل‌های صنفی روزنامه‌نگاری در ایران تأثیری بالاتر از حد متوسط دارد در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته این تأثیر پایین‌تر از حد متوسط است. نتایج نشان می‌دهند که پیشرفت هر سازمان یا سیستم به عناصر داخلی آن سازمان نیز وابسته است، زمانی که هر یک از عناصر داخلی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران (مدیریت، اعضا و اساسنامه‌ی انجمن) دارای ضعف و کاستی باشند، انجمن در طی کردن مسیر توسعه دچار مشکل خواهد شد.

واژگان کلیدی: جامعه مدنی، انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری، موانع درون‌سازمانی

مقدمه

بررسی ویژگی‌های تاریخی نظام صنفی و جامعه مدنی و روابط آنها با یکدیگر در ایران و کشورهای خاورمیانه و سنجش تحولات تاریخی آنها با ویژگی‌های تاریخی هم‌تاهایشان در کشورهای غربی روشنگر برخی از نکات پراهمیت درباره موقعیت کنونی جامعه مدنی در ایران است.

جامعه مدنی هنگامی استقرار می‌یابد و به صورت نهادی جاافتاده و پایدار درمی‌آید که سازمان‌های سیاسی و اتحادیه‌ها و سندیکاها و کارگری و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای گوناگون در جامعه ریشه‌دار شوند و به عنوان نهادهای واسطه میان اعضای خود و دولت، حضوری فعال و رسمی و قانونی پیدا کنند. به بیان دیگر، یکی از لوازم تحقق جامعه مدنی، عدم تمرکز قدرت سیاسی در دولت و مشارکت فعال گروه‌های اجتماعی در جریان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری عمومی است. این مشارکت فعال و مسالمت‌آمیز نیازمند وجود فرهنگ تساهل و بردباری است که مساعد به بیان و برخورد آزادانه آراء و اندیشه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و مذهبی باشد. (اشرف، ۱۳۷۷، ص ۱۷).

انجمن‌های صنفی با انگیزه‌ی حمایت از حقوق و منافع یک صنف تشکیل می‌شوند. این نهادها با ایجاد ارتباط و تعارف میان واحدهای صنفی می‌توانند زمینه شکل‌گیری و ساخته شدن یک نظام ارزشی درون صنفی را فراهم آورد و از این طریق به تدریج در ایجاد یک عرف فراگیر درون صنفی نقش بازی کنند. ایجاد ارزشها و عرف مشترک در درجه‌ی اول و تعهد واحدها و اعضای صنف به آنها در درجه‌ی دوم اساس هویت جمعی صنف را پایه‌ریزی می‌کند. و در سایه‌ی این هویت جمعی است که انجمن صنفی نسبت به مصالح عالی و نیز قدرت و توان صنف به نوعی خود آگاهی رسیده، می‌تواند به عنوان یک نهاد جامعه‌ی مدنی در کنترل قدرت دولت، تأثیر گذاری بر جامعه و تحقق مشارکت اجتماعی ایفای نقش کند. نتیجه‌ی چنین فرایندی حفظ حریم عرصه‌ی عمومی در برابر اقتدار دولت و ایجاد نوعی توازن و تعادل قدرت میان دولت و جامعه است. این فرایند اگر چه اقتدار دولت را به عرصه‌ی سیاست محدود می‌سازد، اما در عوض بر دامنه و عمق مشروعیت آن می‌افزاید. در واقع دولت و نهادهای جامعه‌ی مدنی در یک دادوستد متقابل قرار می‌گیرند. (آرمین، ۱۳۷۷، ص ۴۷۸)

نظام‌ها و انجمن‌های صنفی، اهمیت زیادی در شکل‌گیری و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی دارند. اهمیت این مسأله زمانی چندین برابر می‌شود که از آن روزنامه‌نگاران باشد. روزنامه‌نگاران باید حقایق را به تصویر بکشند و چشمی ناظر بر عملکرد دولت‌ها باشند و در این راه بنا به طبیعت حرفه‌ای‌شان ممکن است در بسیاری از مواقع در مقابل دولت‌ها قرار گیرند. در نتیجه

نیازمند مأمنی هستند که بتواند از حقوق مادی و معنوی شان دفاع کند و در پیشرفت آموزشی و مطابق با تکنولوژی روز آنها نیز تأثیرگذار باشد.

با اعطای حق نظارت به نهادهای صنفی و تأکید بر آن، علاوه بر اینکه بار سنگینی از دوش دولت برداشته می شود، به دلیل تخصص و احیاناً بی طرفی نهادهای صنفی، آرای آنان از مقبولیت بیشتری در میان حرفه برخوردار است. به طور مثال داوری یک تشکل صنفی روزنامه نگاری مبنی بر خروج یک روزنامه نگار از موازین حرفه ای پذیرش بیشتری در جامعه رسانه ها دارد تا قضاوت یک نهاد دولتی و قضایی (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۹۸).

از دیگر سو از آنجا که به اعتقاد ادmond بورک^۱، مطبوعات رکن چهارم دموکراسی شمرده می شود و با توجه به اهمیت آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات و تأثیر گذاری فراوان آنها - و در حالت کلی رسانه ها - در شکل گیری و جهت دهی به افکار عمومی مسلماً ماهیت تشکل های حرفه ای و صنفی روزنامه نگاری با انجمن های صنفی دیگر تفاوت بسیار دارد و از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است (معتمد نژاد، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱).

ابهامات زیادی پیرامون موانع شکل گیری و حرکت به سوی توسعه ای انجمن های صنفی روزنامه نگاری وجود دارد. این مسأله جای سوال است که چرا با این که آزادی شکل گیری احزاب و انجمن ها در قانون اساسی ایران نیز تصریح شده است ولی انجمن های صنفی روزنامه نگاری، در مدت نزدیک به یک قرن که از پیدایش آن ها در ایران می گذرد، با موانع بسیاری روبه رو بوده اند. در این انجمن ها توسعه ای پایداری مشاهده نمی شود و هر کدام از آن ها، بعد از دوره کوتاهی، به دلایل مختلف تعطیل شده و به فراموشی سپرده شده و در دوران کوتاه حیات خود نیز فعالیت چشمگیری نداشته اند. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته ای نظیر امریکا، فرانسه و... انجمن های صنفی روزنامه نگاری دارای قدمت هستند و فعالیت های متنوعی را نیز انجام می دهند.

مطالعه ای تاریخچه ای تشکل های صنفی در ایران نشان می دهد که تنها در بعضی از بازه های زمانی نظیر سالهای ۳۲-۱۳۲۰، دهه ی ۱۳۴۰ و ۸۴-۱۳۷۶ انجمن های سیاسی از شرایط تاسیس نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده اند. با این توضیح که در بازه زمانی اول انجمن ها وابسته به احزاب و گروه های سیاسی بوده و عمدتاً به منظور تحقق اهداف حزبی و سیاسی ایجاد شده بودند؛ شاخص بازه ای دوم سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات - از نخستین هسته های حرفه ای گرایی مطبوعات - بود که علی رغم همکاری با جریان انقلاب، بعد از بهمن ۱۳۵۷ از فعالیت منع شد؛ و نهایتاً در بازه ی سوم با شاخص تاسیس انجمن صنفی

^۱ - Edmund Burke

روزنامه نگاران در ۱۳۷۷ و معضل عدم به حد نصاب رسیدن اعضای آن برای رسمیت بخشی به دو مجمع اول و دوم آن، که نهایتاً در مرداد ۱۳۸۸ پلمب شد. جالب توجه است که حتی در بازه های زمانی یاد شده نیز انجمن ها نتوانستند به شکوفایی و بالندگی و جامعیت مورد نظر دست یابند. این مساله نشان دهنده ی این است که حتی علی رغم آزادی نسبی در فضای سیاسی در بعضی بازه های زمانی، مشکلات و موانع دیگری مانع از فعالیت و عملکرد بهینه ی انجمن ها بوده است. از این رو علاوه بر موانع سیاسی سعی در واکاوی بیشتر پیرامون سایر موانع نیز ضروری به نظر می رسد. باید توجه داشت که اگر این تشکل ها نتوانند به واسطه موانعی که در پیش روی آنها قرار دارند کارکرد قابل قبولی ارائه دهند، حضور آنها تظاهری بیش نخواهد بود. از این رو نگاه آسیب شناسانه به دلایل عدم توسعه تشکل های صنفی روزنامه نگاری در ایران و مقایسه آن با انجمن های مشابه در جهان می تواند راهگشایی برای برداشتن موانع موجود باشد. موارد یاد شده بیانگر این مسأله است که تلاش در جهت شناخت موانع مؤثر در عدم توسعه این تشکل ها در جهت بهبود کارکرد آنها علاوه بر کمک به روزنامه نگاران و افراد شاغل در این حرفه، به نفع مردم و همچنین به صلاح حکومت ها نیز خواهد بود.

فرضیه ی پژوهش

از دید صاحب نظران موانع درون سازمانی در عدم توسعه ی تشکل های صنفی روزنامه نگاری در ایران تاثیرگذار است.

چارچوب نظری

۱- نظریه سیستمی

سیستم باز و ویژگی های آن الهام بخش اصلی در دسته بندی موانع مؤثر بر تشکل های صنفی در این تحقیق می باشد. به اعتقاد برتالانفی اجزای سیستم در یک کنش متقابل یا تعامل با یکدیگر هستند و مکمل یکدیگر و وابسته به هم می باشند. اگر بپذیریم که جامعه عرصه ی مبارزه ی نیروهای اجتماعی در دفاع از حقوق و منافع خود است، این نیروهای اجتماعی زمانی می توانند از حقوق و منافع خود دفاع نمایند که دارای انسجام درونی و تشکیلات به عنوان ستاد مبارزاتی باشند.

با توجه به این مسأله می توان نتیجه گرفت در صورتی تشکل صنفی به کارایی خواهد رسید که اجزای درون آن در هماهنگی و تعامل با هم، سعی در پیشبرد اهداف سازمان داشته باشند و در غیر این صورت هر گونه عدم هماهنگی بین اجزای سیستم به منزله ی مانعی در جهت عدم تحقق اهداف آن و رسیدن به توسعه خواهد بود. عناصر درون سازمانی شامل نیروی انسانی یا منابع انسانی، ابزار و امکانات کاربردی، ساختار و روابط و فرهنگ یا روحیه سازمانی

است. بخشی که در این تحقیق از آن به عنوان موانع درون سازمانی یاد می‌کنیم، اعضای آن یعنی جامعه‌ی روزنامه‌نگاران عضو، اعضای هیأت مدیره‌ی آن که منتخب اعضای تشکل‌ها هستند و روابط متقابل درون آنها و اساسنامه‌ی انجمن را دربر می‌گیرد.

۲ - ساختار درونی گروه‌های اجتماعی

از دیگر سو به اعتقاد بشیریه (۱۳۸۴) ساخت و سازمان درونی گروه از عواملی است که علاوه بر عواملی همانند رابطه با احزاب و سازمانهای سیاسی، وضعیت حقوقی و میزان نفوذ پذیری حکومت‌ها بر میزان توانایی و قدرت نیروها و گروه‌های اجتماعی تاثیرگذار است.

در این زمینه عامل اول میزان توانایی مالی است که ممکن است گروه آن را به طور مستقیم یعنی کمک مالی و یا غیر مستقیم (مثل انتشار نشریات، درج مقالات و مطالب در روزنامه‌ها، ایجاد روابط عمومی و تبلیغات) به کار ببرد. منابع مالی گروه‌های مختلف بر حسب مورد متفاوت است. گروه‌ها و سازمانهای تجاری و صنفی و کارفرمایی خود مستقیماً منابع مالی قابل ملاحظه‌ای در اختیار دارند. برخی دیگر مثل اتحادیه‌های کارگری باید به بسیج منابع مالی لازم بپردازند. شمار اعضا و انطباق درونی گروه عامل دوم در میزان توانایی سیاسی آن است. نمایندگان پارلمان و احزاب سیاسی به منظور جلب حمایت انتخاباتی به گروه‌هایی که دارای اعضا کثیری هستند، توجه بیشتری نشان می‌دهند. با این حال شمار اعضا همواره عامل تعیین‌کننده‌ای نیست. شمار کثیر اعضا بدون وجود انطباق، رهبری منسجم و سازماندهی محکم در درون گروه امتیازی به شمار نمی‌رود. گروه منضبط و سازمان یافته و بهره‌مند از منابع مالی قابل ملاحظه از سیاهی لشکر بی‌نیاز است. عامل سوم، شمار و نوع متحدین گروه است. یک گروه نفوذ در صورتی که بتواند گروه اجتماعی وسیعتر و از نظر افکار عمومی مقبولتری را با خود متحد کند می‌تواند در پشت آن گروه «پنهان» شود و به اعمال نفوذ بپردازد. به ویژه اگر این گروه وسیع تر «سیاسی» نباشد و تقاضای آن در جهت منافع عمومی تلقی شود، نفوذ گروه مورد نظر افزایش می‌یابد. گروه‌هایی مانند آموزگاران، دانشجویان، زنان، جوانان و غیره ممکن است وسیله‌ی دست گروه‌های نفوذ قرار گیرند. ترکیب عمودی یا افقی چندین سازمان اجتماعی (به شیوه‌ی کارتلها و تراستها) عامل دیگری در تقویت و تمرکز قدرت گروه‌های اجتماعی است. در درون فدراسیونهای کارفرمایی معمولاً یک سازمان از موقعیتی مسلط برخوردار است و رهبران آن در رهبری کل فدراسیون یا کنفدراسیون نقش فعالی دارند. در واقع کل کنفدراسیون تحت کنترل آن سازمان مسلط قرار می‌گیرد. چنین سازمانی معمولاً نقش داور را در اختلافات میان سازمان‌های عضو نیز بر عهده می‌گیرد. همچنین سازمان مسلط اغلب کنترل دستگاه اداری و مالی کنفدراسیون را در دست دارد و ارتباط مستقیمی با نهادهای مهم سیاسی-اقتصادی،

اتاقهای تجارت و شوراهای اقتصادی بر قرار می‌کند. عامل دیگر در میزان توانایی یک گروه وجود یا نبود گروه رقیب سازمان یافته است. در جایی که رقیبی وجود نداشته باشد گروهی بالقوه کم قدرت می‌تواند آزادانه تاخت و تاز کند.

بر اساس مطالعات نظری و میدانی و همچنین نتایج حاصل از تحقیقات پیشین، موانع درون سازمانی را به شرح زیر تفکیک می‌کنیم:

عدم کارایی هیأت مدیره تشکل‌ها

انجمن صنفی در درجه اول، باید متشکل از افرادی باشد که از بطن مطبوعات برخاسته باشد و در واقع با مصائب و تنگناهای موجود در این حرفه آشنا باشد. هیأت مدیره، بیشتر طرفدار قشر روزنامه‌نگار باشد تا مسئولان. از شعار دادن و درگیر شدن در مسایل حاشیه‌ای بپرهیزد. برخورد قاطع با روزنامه‌نگاران متخلف داشته باشد و در مقابل از روزنامه‌نگاران صادق حمایت نماید. وابستگی به جریان و خط سیاسی خاص نداشته باشد و در واقع مستقل عمل کند و بالاخره از آنجا که دنیای امروزی، دنیای ارتباطات، اطلاعات و اخبار است زمینه‌های لازم را برای رشد و تعالی جامعه روزنامه‌نگار فراهم آورده و زمینه رسیدن به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را در کشور فراهم آورد. (ادیب هاشمی، ۱۳۷۶، ص ۱۳)

عدم حمایت مادی تشکل‌ها از روزنامه‌نگاران و عدم حمایت معنوی تشکل‌ها از روزنامه‌نگاران یک روزنامه‌نگار زمانی می‌تواند فعالیت رکن چهارم بودن خود را انجام دهد که خیالش برای تأمین زندگی راحت باشد و در غیر این صورت، تحت تأثیر نفوذهای اقتصادی و یا سیاسی قرار می‌گیرد. (فرقانی، ۱۳۸۰، ص ۱۸)

روزنامه‌نگار با توجه به نقش‌ها و مسوولیت‌های خود، نه تنها حق استفاده از پیمان دسته جمعی کار، بلکه حق برخورداری از قرارداد شخصی تضمین‌کننده تأمین مادی و معنوی کار خویش و نیز دریافت دستمزد مناسب و منطبق با نقش اجتماعی خود در جهت حفظ استقلال اقتصادی خویش را داراست. آزادی تاسیس انجمن‌ها و اتحادیه‌های حرفه‌ای و مشارکت آزادانه روزنامه‌نگاران و در این تشکل‌ها و برخورداری آنان از حمایت‌های صنفی تشکل‌های مذکور، برای تأمین حقوق مادی و معنوی حرفه روزنامه‌نگاری، از حقوق مسلم روزنامه‌نگاران است. برای حفظ آزادی و استقلال حرفه روزنامه‌نگاری، حمایت حقوقی از امنیت و آسایش شغلی روزنامه‌نگاران و جلوگیری از تهدید جسمی و جانی آنان، از طریق قوانین داخلی و مقررات حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی، اهمیت فراوان دارد. (معمدندزاد، ۱۳۷۷، ص ۸۸)

روزنامه‌نگاری که بداند بعد از ۲۵ سال کار همه مراحل ارتقاء را طی کرده و از حقوق مادی و معنوی خودش برخوردار است، طبیعتاً به دفاع و حمایت از منافع عمومی مملکت بیشتر توجه

می‌کند و چون کار حرفه‌ای خودش را یک کار موقت نمی‌داند، تمام زندگیش را در این مسیر دنبال می‌کند و در آن صورت می‌توانیم انتظار بیشتری هم از او داشته باشیم. (ادیب هاشمی، ۱۳۷۶، ص ۱۷)

به اعتقاد فرقانی انجمن‌های صنفی باید در تلاش برای تأمین امنیت شغلی و استقلال حرفه‌ای باشند، به صورتی که روزنامه‌نگار از جست‌وجو، کشف و بیان حقایق، هیچ‌گاه بیمناک نباشد و زندگی شخصی و حرفه‌ای او به خاطر انجام وظیفه در معرض تهدید قرار نگیرد. این امر می‌تواند از طریق تسهیل شرایط فعالیت حرفه‌ای، فراهم ساختن حمایت‌ها و پشتوانه‌های معنوی، فکری، عاطفی و قانونی برای روزنامه‌نگاران مسئول و وظیفه‌شناس که همواره با تهدیدهای بالفعل و بالقوه روبه‌رو هستند؛ بروز و تجلی یابد.

آنها باید در جهت تأمین حقوق اقتصادی و استقلال مادی روزنامه‌نگاران، با فعالیت‌هایی از قبیل اصلاح و سامان بخشی نظام پرداخت‌ها، طبقه‌بندی مشاغل، بیمه و از کارافتادگی، سخت و زیان‌آور شناخته شدن این حرفه، افزایش سطح دستمزدها به صورتی که روزنامه‌نگار مجبور به روی آوردن به کار دوم و سوم نباشد، تأمین مسکن، امکانات فرهنگی، تفریحی و رفاهی، کسب پاره‌ای امتیازات اجتماعی چون تخفیف در هزینه‌های حمل‌ونقل، اقامت در هتل‌ها، سفرهای حرفه‌ای برای کسب دانش و تجربه و...

این مسأله از آن حیث اهمیت دارد که نیاز مادی و عدم اطمینان نسبت به آینده و در نتیجه وابسته شدن به منابع پول و قدرت، همواره سلامت حرفه‌ای روزنامه‌نگار را به شدت و به‌طور جدی تهدید می‌کند. روزنامه‌نگاری که دل به پاداش این و آن بست به جای آن که حرفه خود را به چشم یک مسئولیت بنگرد، از آن پلکانی به سوی کسب منافع و موقعیت‌ها می‌سازد و استغنائی روحی و فکری خود را به مسلخ امتیازات مادی می‌برد. در نتیجه نه تنها مدافع حقوق جامعه نیست، بلکه خود به متجاوز بزرگ به این حقوق تبدیل می‌شود. (فرقانی، ۱۳۷۶، ص ۲۶)

ضعف اساسنامه تشکل هادر پاره ای موارد، مشکلات پیش روی انجمن‌های صنفی را به موادی که در اساسنامه‌های آن آمده است، نسبت می‌دهند. برای بررسی صحت و یا سقم این مسأله، علاوه بر پرسش نامه، به وسیله تحلیل محتوای برخی از اساسنامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اختلاف نظرهای سیاسی در بین هیأت مدیره

این طور به نظر می‌رسد که ممکن است تشدید اختلاف نظر بین هیأت مدیره انجمن‌های صنفی، به عدم وحدت در شیوه مدیریتی انجمن دامن بزند و از کارکرد بهینه آن جلوگیری کند.

اختلاف نظرهای سیاسی بین اعضا این طور به نظر می‌رسد که ممکن است تشدید اختلاف نظر بین اعضای انجمن‌های صنفی، به عدم وحدت در انجمن دامن بزند و از تقویت انجمن و اقتدار آن جلوگیری کند.

عدم بهره‌گیری از دانش روز و تکنولوژی

از آنجا که انجمن را به مثابه سازمان در نظر می‌گیریم، برای کارایی حداکثر و پیشرفت و موفقیت، باید همانند یک سازمان به روز باشد و خود را با دانش روز و پیشرفت‌های تکنولوژیک همگام کند.

عدم استقلال مالی تشکل‌ها

در بسیاری از کشورها انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری تدابیری اندیشیده‌اند تا نیازمند به کمک مالی دولت‌ها و صاحبان سرمایه نباشند و در عین حال علی‌رغم خودکفایی مالی به رسیدگی به احقاق حقوق مادی اعضای خود نیز بپردازند. این استقلال می‌تواند مانع سرسپردگی آن‌ها به دولت‌ها و صاحبان سرمایه باشد.

وابستگی مالی تشکل‌ها به دولت و وابستگی مالی تشکل‌ها به صاحبان سرمایه در مورد استقلال مطبوعات، بر عدم وابستگی سیاسی و اقتصادی روزنامه‌ها و مجله‌ها و سایر وسایل ارتباطی به دولت‌ها و انحصارهای اقتصادی خصوصی تکیه می‌شود. (معمدندزاد، ۱۳۷۷، ص ۴۷-۲۶). تأمین منابع مالی رسانه از بودجه دولت با کمک‌های دولت، استقلال آنها را متزلزل می‌کند و کمبود منابع مالی، انجام فعالیت‌های آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. از این رو، وسایل ارتباط جمعی باید برای تأمین و حفظ استقلال خود از منابع کافی مالی غیردولتی برخوردار باشند. این منابع در سایر کشورها غالباً از طریق فعالیت‌های اقتصادی و بازاری رسانه‌ها تأمین می‌شود و جز در موارد محدود استفاده از یارانه‌های دولتی مجاز نیست. متأسفانه در کشور ما، هنوز فعالیت‌های اقتصادی مشروع برای رسانه‌ها تعریف و نهادینه نشده و این یکی از ضعف‌های نظام رسانه‌ای کشور است. (انصاری، ۱۳۸۵، ص ۷۶)

تعلق خاطر تشکل‌ها به دولت وقت

استقلال انجمن از نهادهای قدرت و به ویژه دولت، نقش بسزایی در کارآمدی آن برای دفاع از حقوق صنفی اعضا در برابر مراجع مختلف قدرت دارد. (ادیب‌هاشمی، ۱۳۷۶، ص ۱۸)

حضور افراد با مناصب دولتی در تشکل‌ها

اگرچه سندیکاها تنها نیروی مقاومت اجتماعی نیستند ولی هنگامی که تحت نفوذ دولت قرار می‌گیرند، نقش خود به عنوان واسطه‌هایی اساسی در بیان اعتراض به خواسته‌های عمومی را از دست می‌دهند. (لوفور، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶)

عدم دعوت از اساتید رشته روزنامه نگاری در تشکل ها و عدم استفاده از تجربه روزنامه نگاران

پیشکسوت در تشکل ها

با توجه به اهمیت مشاوره با صاحب نظران و افراد با تجربه در هر سازمانی، فقدان این امر در عدم توسعه انجمن ها صنفی روزنامه نگاری نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

نبود فرهنگ تحمل پذیری و انتقاد بین اعضا

عدم تحمل پذیری و پذیرش انتقادها منجر به تعارضاتی در سازمان ها می شود. می خواهیم تأثیر این مسأله را در عدم توسعه انجمن های صنفی بررسی کنیم.

حاکمیت روحیه فردگرایی

برخی از موارد یاد شده ریشه در فرهنگ جامعه ما دارد. حاکمیت روحیه فردگرایی که منجر به تک روی و تفرق در سازمان می شود نیز در زمره این مسائل است.

نفوذ احزاب سیاسی در تشکل ها

انجمن صنفی نباید در محدوده تفکر حزبی و جناحی باشد. این امر سبب می شود تا بسیاری از روزنامه نگاران که اندیشه ای آزاد و ورای تفکر حزبی، جناحی و گروهی دارند نتوانند قدم به انجمن صنفی بگذارند. یک انجمن صنفی مستقل، به دور از تفکرات حاکم بر روزنامه ها و خارج از فعالیت های حزبی می تواند فراگیر باشد. (قندی، ۱۳۷۶، ص ۴۱)

انجمن صنفی برای حفظ مشروعیت و مقبولیت و حیات دیرپای خود می باید غیرجناحی و غیردولتی و آزاد از قید و بندهایی که اینگونه وابستگی ها ایجاد می کند بماند. تنها در این صورت است که می تواند نقش خود را به عنوان یک نهاد مدنی مستقل و کارآمد در خدمت به اعضای صنف و اعتلای حرفه روزنامه نگاری و حفظ شأن و حرمت آن، هر چه بهتر ایفا نماید. انجمن صنفی مستقل، قادر خواهد بود، در جهت نهادینه ساختن آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات و ارتباطات، همدرد قبال شهروندان و هم در رابطه با دولت، به توفیق دست یابد و اعتماد و اطمینان اعضای صنف را همواره به عنوان یک پشتوانه در کنار خود داشته باشد. (فرقانی، ۱۳۷۶، ص ۴۹-۱۷)

عدم ارتباط تشکل ها با مراکز غیر دولتی روزنامه نگاری دنیا

به نظر می رسد ارتباط انجمن های صنفی روزنامه نگاری با سایر انجمن ها، تشکل ها و فدراسیون های روزنامه نگاری در گستره جهانی، بتواند منجر به کسب تجارب بیشتری گردد و در عملکرد بهینه انجمن های صنفی تأثیرگذار باشد.

الگوگیری از تجربه ی سایر کشورها بدون بومی سازی

امروزه جوامع در حال توسعه، در راه پذیرش یک نظام حزبی با این مشکل مواجه هستند که باید با تقلید از نظام های سیاسی اروپایی، پدیده ای خارجی را که هیچ مرجع داخلی برای آن

نمی‌شناسند در محیطی وارد کنند که تمامی عوامل و عناصر آن در جهت پدیده مزبور قرار دارد. این جوامع که از یک سو به دلیل کار آمدتر بودن نظام های غربی و از سوی دیگر به دلیل روند مسلط شدن نظام ها و ارزشهای اروپایی، مجبور به قبول انتخابات، پارلمان و سازمان اداری غربی هستند، نمی‌توانند از پذیرش سایر نهادهای همراه و اجزای وابسته به این گونه نظامها مثل حزب خود داری کنند. این امر آنها را در تعارض با ارزشها و سنن محیط خود قرار می‌دهد، بدون آنکه قادر باشند سنتها و ارزشهای جامعه خود را با این پدیده های نوظهور وفق دهند یا این پدیده ها را با سنن خویش سازگار سازند. بعضی از دولتها سعی دارند عناصر تجدد را در عبارتهای بومی عنوان کنند و به آن پوششی سنتی بدهند تا کمتر با واکنش گروههای سنتی روبه رو شوند. به هر صورت باید در نظر داشت که وضعیت کشورهای جهان سوم وضعیت گذار از سنت به تجدد است. (نقیب زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۳۹)

به اعتقاد بشیریه نیز در ایران امروز نباید جامعه مدنی و نهادهای وابسته به آن را تحت تأثیر پیشینه ی غربی این پدیده و بر پایه ی فرضیاتی که ارتباطی با جامعه ایرانی ندارد مطرح ساخت، بلکه باید با توجه به واقعیت های موجود، شرایط خاص و دگرگونیهای عمیقی که در جامعه پدید آمده است پیش رفت و اقدام کرد.

عدم قدمت تاریخی تشکل ها

متأسفانه در کشور ما در حرفه روزنامه نگاری، انجمن های صنفی از پیشینه تاریخی قوی برخوردار نیستند. در حالی که به نظر می رسد هر چه عمر انجمنی بیشتر باشد و به مرحله بلوغ سازمانی رسیده باشد، عملکرد گسترده تر و موفق تری خواهد داشت.

وجود تشکل های صنفی موازی

در این زمینه دو دیدگاه غالب وجود دارد: اول اینکه به تناسب زیاد شدن نشریات، تعداد انجمن های صنفی و اتحادیه های صنفی - چه تخصصی و چه عمومی - افزایش پیدا خواهد کرد. باید از این انجمن ها استقبال کرد و اینها سرانجام می‌توانند در کنفدراسیون واحد اجتماع کنند. هدف یکی است: «بالا بردن رفاه اقتصادی، دفاع از حقوق صنفی همزمان با بالا بردن حیثیت و اعتبار اجتماعی». در عصر پسامدرنیسم و تکثرگرایی، هیچ کس نمی‌تواند مخالف تعدد انجمن های صنفی باشد. چرا که در غیر این صورت، کمترین عارضه ای که پدید می‌آید، گسترش طاعون توتالیتاریسم خواهد بود. قدرت طلبی و یکپارچه‌نگری به راستی طاعون‌هایی مرگبارند که راه بر رشد فرهنگ ها و آزادی انسان ها می‌بندند. با چنین باوری و با توجه به اینکه در بسیاری از کشورهای پیشرفته، آزاداندیشی و مشارکت توده‌ای، راهگشای فرازپویی جامعه‌ها شده است، معتقدیم هر قدر شمار انجمن های صنفی بیشتر باشد هم، راه های دستیابی به آزادی هموارتر می‌شوند و هم مردم، دموکراسی را بیشتر تمرین می‌کنند. مهمتر

از همه اینکه، کیفیت، همواره از دل کمیت می‌جوشد. از این‌رو، انجمن‌های صنفی باید آزادانه فعالیت کنند و به‌گونه‌ای خردمندانه با هم مشارکت و هم‌فکری داشته باشند. ضمن اینکه انجمن‌های مختلف می‌توانند در قالب یک اتحادیه سراسری متشکل شوند و با قدرت و امکانات بیشتری وارد عرصه فعالیت صنفی شوند. حتی اگر تعداد انجمن‌ها به تعدد آراء و برخی تنش‌ها میدان دهد، باز باید آن را به فال نیک گرفت؛ زیرا هر گونه مرکزیتی برای مداخله در کار انجمن‌ها، مهر و نشان توتالیتاریستی و دیکتاتورمآبانه خواهد داشت. « (ادیب هاشمی، ۱۳۷۶، ص ۹)

عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که ارتباط با یک صنف و وجود یک تشکل برای دستیابی سریع‌تر به اهداف بهتر است.

عدم مدیریت و برنامه ریزی علمی و آگاهانه بوسیله ی تشکل های صنفی
مطابق مدل POSDCORB در مدیریت، از عوامل موفقیت در هر سازمانی طی کردن مراحل می باشد که در رأس آن ها برنامه ریزی قرار دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر پیمایشی است و از پرسشنامه‌ی پژوهشگرساخته برای جمع آوری داده ها استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه‌ی تحقیق حاضر شامل افراد مرتبط با حرفه روزنامه‌نگاری در سه لایه و دو گروه می‌باشند که به تفکیک به آنها اشاره می‌شود. از آن جا که تشکلهای صنفی روزنامه‌نگاری به طور مستقیم با روزنامه نگاران مرتبط است و بخش مهمی از فلسفه وجودی این انجمن‌ها، دفاع از حقوق و منافع مادی و معنوی شاغلان این حرفه می‌باشد، روزنامه‌نگاران عضو و غیرعضو تشکلهای صنفی را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، اساتیدی که در رشته روزنامه‌نگاری از اعضا هیأت علمی دانشگاه هستند، بخش دیگری از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. بخش دیگر جامعه آماری این پژوهش را اعضاء هیأت مدیره‌ی تشکلهای صنفی روزنامه‌نگاری تشکیل می‌دهند.

از آنجا که تحقیق حاضر مقایسه وضعیت ایران با سایر کشورها را نیز مدنظر قرار داده، جامعه آماری تحقیق سه لایه‌ی افراد مذکور را در دو بخش ایرانی و کشورهای توسعه‌یافته، در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه توان دسترسی به تمام اعضای جامعه امکان‌پذیر نبوده و نمی‌توان

فهرستی از تمامی اعضای جامعه آماری تهیه نمود، از این‌رو، جامعه این تحقیق در حیطه جوامع نامحدود^۲ جای می‌گیرد.

نمونه آماری

با توجه به اینکه جامعه پژوهش حاضر در حیطه جوامع نامحدود جای می‌گیرد، از طریق ایمیل پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌ها اقدام گردید. بنابراین، از بالغ بر ۳۰۰۰ ایمیل ارسال شده تعداد ۱۰۲ جواب بدست آمد که ۱۰۰ نفر پاسخ دهندگان ما را تشکیل می‌دهند و ۳۴ نفر نیز به پرسشنامه‌ی کاغذی پاسخ دادند. در مجموع تعداد ۱۰۷ نفر از ایران و ۲۷ نفر از کشورهای توسعه‌یافته، نمونه‌های تحقیق هستند. در نهایت، مطرح می‌شود که روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر غیرتصادفی بوده و از نوع هدفمند می‌باشد.

مدل آماری

با توجه به اینکه تحلیل‌های آماری با تأکید بر داده‌های تجربی حاصل از پرسشنامه عینی در طیف لیکرت بدست آمد و از آنجائیکه تمامی داده‌های تجربی حاصل از پرسشنامه در طیف اندازه‌گیری متریک جای داشت و به صورت کمی و پیوسته مورد اندازه‌گیری قرار گرفته شد، با استفاده از مفروضه‌ی نرمال بودن توزیع، به استفاده از مدل‌های آمار پارامتریک مقدماتی تأکید گردید. به این صورت که برای شناسایی وضعیت موجود از مدل آماری t تک‌گروهی استفاده شد و میانگین نظری $2/5$ به عنوان توزیع نظری مطرح شد و مدل آماری مزبور برای بررسی موانع درون سازمانی در پنج وضعیت پاسخ‌دهندگان ایرانی، پاسخ دهندگان کشورهای توسعه یافته، اساتید و روزنامه‌نگاران و اعضای هیأت مدیره ی تشکل‌های صنفی مورد استفاده قرار گرفت. در بررسی‌های تکمیلی با استفاده از مدل آماری تحلیل واریانس دوطرفه^۳ به بررسی اثرات رسته شغلی و ملیت بر دیدگاه نمونه‌های تحقیق نسبت به موانع موجود پرداخته شده است.

^۲-Infinite

^۳- Two Way Analyses Variance(ANOVA)

تجزیه و تحلیل جداول آماری:

جدول شماره ۱

t تک گروهی جهت بررسی دیدگاه نمونه‌های ایرانی نسبت به «موانع درون‌سازمانی»

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۹	وابستگی مالی تشکل‌ها به دولت	۲/۵	۴/۰۲	۱۷/۰۶	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱	عدم کارایی هیأت مدیره تشکل‌ها	۲/۵	۳/۸۱	۱۶/۴۵	۱۰۶	۰/۰۰۱
۳	عدم حمایت معنوی تشکل‌ها از روزنامه نگاران	۲/۵	۴/۰۳	۱۵/۹۱	۱۰۶	۰/۰۰۱
۸	عدم استقلال مالی تشکل‌ها	۲/۵	۳/۹۴	۱۴/۹۶	۱۰۶	۰/۰۰۱
۲	عدم حمایت مادی تشکل‌ها از روزنامه نگاران	۲/۵	۳/۸۷	۱۴/۰۳	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۵	نبود فرهنگ تحمل‌پذیری و انتقاد بین اعضا	۲/۵	۳/۷۸	۱۲/۲۸	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۶	حاکمیت روحیه فردگرایی	۲/۵	۳/۷۷	۱۱/۸۸	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۸	عدم ارتباط تشکل‌ها با مراکز غیر دولتی روزنامه نگاری دنیا	۲/۵	۳/۶۹	۱۰/۸۴	۱۰۶	۰/۰۰۱
۲۲	عدم مدیریت و برنامه‌ریزی علمی و آگاهانه بوسیله ی تشکل‌های صنفی	۲/۵	۳/۶۴	۱۰/۰۷	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۷	نفوذ احزاب سیاسی در تشکل‌ها	۲/۵	۳/۶۴	۹/۶۸	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۱	تعلق خاطر تشکل‌ها به دولت وقت	۲/۵	۳/۵۷	۹/۲۹	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۲	حضور افراد با مناصب دولتی در تشکل‌ها	۲/۵	۳/۶۴	۹/۲۸	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۰	وابستگی مالی تشکل‌ها به صاحبان سرمایه	۲/۵	۳/۴۹	۸/۸۷	۱۰۶	۰/۰۰۱
۴	ضعف اساسنامه تشکل‌ها	۲/۵	۳/۴۲	۸/۳۴	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۴	عدم استفاده از تجربه روزنامه نگاران پیشکسوت در تشکل‌ها	۲/۵	۳/۳۵	۸/۰۳	۱۰۶	۰/۰۰۱
۷	عدم بهره‌گیری از دانش روز و تکنولوژی	۲/۵	۳/۲۸	۶/۹۳	۱۰۶	۰/۰۰۱
۵	اختلاف نظرهای سیاسی در بین هیأت مدیره	۲/۵	۳/۲۶	۶/۶۰	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۳	عدم دعوت از اساتید رشته روزنامه نگاری در تشکل‌ها	۲/۵	۳/۲۲	۵/۷۰	۱۰۶	۰/۰۰۱
۲۰	عدم قدمت تاریخی تشکل‌ها	۲/۵	۳/۲۰	۵/۴۰	۱۰۶	۰/۰۰۱
۶	اختلاف نظرهای سیاسی بین اعضا	۲/۵	۳/۰۶	۴/۸۷	۱۰۶	۰/۰۰۱
۱۹	الگوگیری از تجربه ی سایر کشورها بدون بومی سازی	۲/۵	۳/۰۱	۳/۸۸	۱۰۶	۰/۰۰۱
۲۱	وجود تشکل‌های صنفی موازی	۲/۵	۲/۹۹	۳/۵۴	۱۰۶	۰/۰۰۱

با توجه به جدول فوق و با تاکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در تمامی مؤلفه‌ها وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه در مؤلفه‌های فوق میانگین تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشد، عنوان می‌شود که از دیدگاه نمونه‌های ایرانی، میزان تأثیر «موانع درون‌سازمانی در عدم توسعه تشکل‌های صنفی» بالاتر از حد متوسط است.

جدول شماره ۲

t تک گروهی جهت بررسی دیدگاه نمونه های کشورهای توسعه یافته
نسبت به «موانع درون سازمانی»

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۲۰	عدم قدمت تاریخی تشکل ها	۲/۵	۰/۷۴	۶/۹۳	۲۶	۰/۰۰۱
۲۱	وجود تشکل های صنفی موازی	۲/۵	۱/۹۲	۱/۹۳	۲۶	۰/۰۶۴
۲	عدم حمایت مادی تشکل ها از روزنامه نگاران	۲/۵	۲/۴۰	۰/۲۸	۲۶	۰/۷۷۶
۱	عدم کارایی هیأت مدیره تشکل ها	۲/۵	۱/۸۸	۴/۳۲	۲۶	۰/۰۲۸
۷	عدم بهره گیری از دانش روز و تکنولوژی	۲/۵	۱/۷۰	۴/۹۳	۲۶	۰/۰۰۷
۸	عدم استقلال مالی تشکل ها	۲/۵	۱/۵۵	۴/۳۲	۲۶	۰/۰۰۳
۴	ضعف اساسنامه تشکل ها	۲/۵	۱/۶۲	۴/۴۶	۲۶	۰/۰۰۲
۲۲	عدم مدیریت و برنامه ریزی علمی و آگاهانه بوسیله ی تشکل های صنفی	۲/۵	۱/۳۳	۴/۸۶	۲۶	۰/۰۰۱
۶	اختلاف نظرهای سیاسی بین اعضا	۲/۵	۱/۵۱	۴/۸۸	۲۶	۰/۰۰۱
۳	عدم حمایت معنوی تشکل ها از روزنامه نگاران	۲/۵	۱/۴۴	۴/۹۲	۲۶	۰/۰۰۱
۵	اختلاف نظرهای سیاسی در بین هیأت مدیره	۲/۵	۱/۴۸	۴/۰۳	۲۶	۰/۰۰۱
۱۶	حاکمیت روحیه فردگرایی	۲/۵	۱/۲۹	۴/۷۲	۲۶	۰/۰۰۱
۱۵	نبود فرهنگ تحمل پذیری و انتقاد بین اعضا	۲/۵	۱/۰۷	۵/۳۵	۲۶	۰/۰۰۱
۱۰	وابستگی مالی تشکل ها به صاحبان سرمایه	۲/۵	۰/۸۸	۷/۰۱	۲۶	۰/۰۰۱
۱۸	عدم ارتباط تشکل ها با مراکز غیر دولتی روزنامه نگاری دنیا	۲/۵	۰/۷۷	۷/۳۳	۲۶	۰/۰۰۱
۱۷	نفوذ احزاب سیاسی در تشکل ها	۲/۵	۰/۶۲	۸/۲۲	۲۶	۰/۰۰۱
۱۴	عدم استفاده از تجربه روزنامه نگاران پیشکسوت در تشکل ها	۲/۵	۰/۷۴	۱۰/۱۲	۲۶	۰/۰۰۱
۹	وابستگی مالی تشکل ها به دولت	۲/۵	۰/۴۰	۱۱/۶۸	۲۶	۰/۰۰۱
۱۱	تعلق خاطر تشکل ها به دولت وقت	۲/۵	۰/۳۷	۱۱/۹۵	۲۶	۰/۰۰۱
۱۹	الگوگیری از تجربه ی سایر کشورها بدون بومی سازی	۲/۵	۰/۵۱	۱۲/۱۲	۲۶	۰/۰۰۱
۱۳	عدم دعوت از اساتید رشته روزنامه نگاری در تشکل ها	۲/۵	۰/۵۱	۱۲/۱۲	۲۶	۰/۰۰۱
۱۲	حضور افراد با مناصب دولتی در تشکل ها	۲/۵	۰/۴۴	۱۲/۶۰	۲۶	۰/۰۰۱

با توجه به جدول فوق و با تاکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می توان مطرح نمود که تفاوت معنی داری در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین میانگین نظری با میانگین های تجربی در تمامی مؤلفه های به جز مؤلفه های «وجود تشکل های صنفی موازی» و «عدم حمایت مادی تشکل ها از روزنامه نگاران» وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه ها میانگین تجربی پایین تر از میانگین نظری می باشد، عنوان می شود که از دیدگاه نمونه های کشورهای توسعه یافته، میزان تأثیر «موانع درون سازمانی در عدم توسعه تشکل های صنفی» پایین تر از حد متوسط است.

لازم به ذکر است که در مؤلفه های «وجود تشکل های صنفی موازی» و «عدم حمایت مادی

تشکل‌ها از روزنامه نگاران» تفاوت معنی‌داری بین میانگین نظری و میانگین‌های تجربی مشاهده نشده است. از این‌رو، عنوان می‌شود که از دیدگاه نمونه‌های کشورهای توسعه‌یافته، میزان تأثیر «موانع درون‌سازمانی در عدم توسعه تشکل‌های صنفی» در حد متوسط است.

جدول شماره ۳

آمار توصیفی مرتبط با دیدگاه نمونه‌های تحقیق

نسبت به «موانع درون‌سازمانی»

تعداد	انحراف معیار	میانگین	متغیرهای وابسته	اثر
۶۹	۰/۷۰	۳/۵۱	ایرانی	روزنامه‌نگار
۳	۱/۶۸	۱/۷۴	توسعه‌یافته	
۲۹	۰/۵۸	۳/۶۶	ایرانی	استاد
۱۰	۰/۷۵	۱/۰۷	توسعه‌یافته	
۸	۰/۹۲	۳/۱۵	ایرانی	هیأت‌مدیره
۱۴	۰/۶۳	۱/۰۷	توسعه‌یافته	
۱۰۶	۰/۶۹	۳/۵۲	ایرانی	کل
۲۷	۰/۸۱	۱/۱۴	توسعه‌یافته	

جدول شماره ۴

بررسی اثرات رسته شغلی و ملیت بر «موانع درون‌سازمانی»

سطح معنی‌داری	میزان F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۰۲۸	۳/۶۵	۱/۸۲	۲	۳/۶۵	رسته شغلی
۰/۰۰۱	۶۱/۵۲	۳۰/۷۱	۲	۶۱/۴۲	ملیت
۰/۱۲۰	۱/۸۶	۰/۹۳	۴	۳/۷۲	تعامل رسته شغلی با ملیت
		۰/۴۹	۱۴۰	۶۹/۹۰	خطا
			۱۴۹	۱۵۹۴/۹۰	کل

با تأکید بر میزان مقادیر F بدست آمده، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه نمونه‌ها با تأکید بر ملیت آن‌ها (ایرانی و توسعه‌یافته)، نسبت به تأثیر موانع درون‌سازمانی بر توسعه تشکل‌های صنفی در سطح $\alpha=0/01$ وجود دارد. بنابراین، با توجه به میانگین‌های آن‌ها در جدول شماره ۵۱، عنوان می‌شود که به ترتیب، ابتدا نمونه‌های ایرانی (با میانگین ۳/۵۲) و سپس نمونه‌های کشورهای توسعه‌یافته (با میانگین ۱/۱۴) معتقدند که موانع درون‌سازمانی بر توسعه تشکل‌های صنفی تأثیر گذارند. لازم به ذکر است، از آنجائیکه میزان F بدست آمده از

اثرات رسته شغلی و تعامل رسته شغلی با ملیت در سطح $\alpha=0/05$ معنی‌دار نمی‌باشد، عنوان می‌گردد که رسته شغلی و تعامل رسته شغلی با ملیت بر دیدگاه نمونه‌ها نسبت به تاثیر موانع درون‌سازمانی بر تشکل‌های صنفی موثر نیست.

بحث و نتیجه‌گیری:

نگرشی تک بعدی بر ما حاکم خواهد بود اگر عمده‌ی مشکلات پیش‌روی انجمن‌ها را از ناحیه‌ی دولت‌ها بدانیم.

یافته‌ها نشان می‌دهد که موانع درون‌سازمانی نیز تأثیر بالاتر از انتظاری در عدم توسعه‌ی تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاری دارد؛ چرا که یکی از عوامل پیشرفت هر سازمان یا سیستم به عناصر داخلی آن سازمان وابسته است. زمانی که هر یک از عناصر داخلی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران دارای ضعف و کاستی باشند، انجمن در طی کردن مسیر توسعه دچار مشکل خواهد شد. از عناصر انجمن می‌توان به مدیریت، اعضا، اساسنامه‌ی انجمن اشاره کرد.

مطالعه‌ی تاریخی‌چهره‌ی تشکل‌های صنفی مطبوعات در ایران مؤید این امر است که بسیاری از تشکل‌های صنفی از مدیریت مطلوبی برخوردار نبوده‌اند و با عدم مدیریت صحیح علمی، عدم کارایی و رفتار در چارچوب تعلقات جناحی و صنفی و اختلاف نظرهای سیاسی نتوانسته‌اند اعتماد روزنامه‌نگاران را به خود جلب کنند و بدون حمایت آنان به عنوان صاحبان این خانه، موجودیتی متزلزل و فانی یافته‌اند. برخی از انجمن‌های صنفی به لحاظ مادی و معنوی وابسته به دولت‌ها و احزاب بوده‌اند و به جای خدمت به جامعه‌ی روزنامه‌نگاران در خدمت آنان روزگار گذرانده و بعد از مدتی موجودیت خود را از دست داده‌اند.

در چنین شرایطی به دلیل عدم رسیدن انجمن به مثابه‌ی یک سازمان به بلوغ سازمانی، عملکرد و کارایی مورد انتظار را از آن شاهد نخواهیم بود.

به موارد یاد شده می‌توان عدم استفاده از تجربه‌ی روزنامه‌نگاران پیشکسوت و اساتید صاحب نام این رشته را اضافه کرد.

نگاهی به تاریخی‌چهره‌ی تشکل‌های صنفی در ایران از مشروطه تا کنون نیز مبین این مسأله است که به دلیل جمیع موانع موجود هر یک از آنها عمر کوتاهی داشته و از این رو به مرحله بالندگی و شکوفایی که از قدمت و بلوغ آنها ناشی می‌شود نرسیده‌اند. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته یکی از دلایل قدرت و قوت انجمن‌ها قدمت آنهاست. مقایسه‌ی اساسنامه‌های موجود تاریخ صد ساله‌ی پر فراز و نشیب انجمن‌ها مطابق با دیدگاه نمونه‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از اساسنامه‌ها و انجمن‌ها ضعف‌هایی داشته‌اند که خود مسیر انحلال

و تعطیل شدن را برای آنها هموارتر کرده است. بسیاری از اساسنامه‌ها تنها به مسائلی کلی پرداخته و کپی تکمیل نشده‌ای از یکدیگر بوده‌اند.

از دیگر سو نتایج نشان می‌دهند که عدم ارتباط با مراکز غیر دولتی روزنامه‌نگاری دنیا و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای مطبوعاتی در سایر کشورها که سالهاست که مسیر توسعه را پیموده‌اند موجب شده است که انجمن‌های صنفی ما تنها خود را با انجمن‌های فاقد قدرت مشابه اطراف خود بسنجند و از وضعیت انجمن‌ها و روزنامه‌نگاران در کشورهای توسعه‌یافته بی‌اطلاع مانده و آزموده‌ها را دوباره بیازمایند.

در حالی که از دید نمونه‌های کشورهای توسعه‌یافته، می‌توان مطرح نمود که تنها در مؤلفه‌های «وجود تشکل‌های صنفی موازی» و «عدم حمایت مادی تشکل‌ها از روزنامه‌نگاران» میزان تأثیر در حد متوسط است. میزان تأثیر سایر مؤلفه‌های موانع درون‌سازمانی پایین‌تر از حد متوسط است.

علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهند که ملیت در دیدگاه نمونه‌ها نسبت به موانع درون‌سازمانی موثر در عدم توسعه‌ی تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاری تأثیرگذار است. با توجه به جداول مشاهده می‌شود که نمونه‌های ایرانی معتقدند که موانع درون‌سازمانی تأثیر بالاتر از حد متوسطی در عدم توسعه‌ی تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاری دارند. در حالی که نمونه‌های کشورهای توسعه‌یافته به تأثیری پایین‌تر از حد متوسط اذعان داشته‌اند. دیدیم که رسته شغلی و همچنین تعامل رسته شغلی و ملیت بر دیدگاه نمونه‌ها نسبت به موانع درون‌سازمانی موثر در عدم توسعه تشکل‌های صنفی تأثیرگذار نیست.

پیشنهاد می‌شود با توجه به این امر که از دید پاسخ‌دهندگان ایرانی یکی از موارد عدم توسعه‌ی تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاری ضعف، ناکارآمدی و رفتار حزبی و جناحی هیأت مدیره‌ها بوده است، مطالعات اسنادی پیرامون هیأت مدیره انجمن‌های صنفی ایران و عملکرد آنان از گذشته تا کنون به عنوان راهنمایی در جهت یافتن نقاط ضعف و قوت آنها و میزان تأثیر گذاری آنان در موفقیت‌ها و شکست‌های انجمن انجام شود.

منابع

- ادیب‌هاشمی، فرید، (۱۳۷۶)، مشکل صنفی روزنامه‌نگار ایرانی چیست؟، فصلنامه رسانه، شماره ۴.
- آرمین؛ محسن، (۱۳۷۷)، فرهنگ سیاسی نخبگان و تأثیر آن بر توسعه مطبوعات، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.
- ازغندی؛ علیرضا، (۱۳۸۰)، خلیقات نخبگان سیاسی عامل ناکارآمدی احزاب در ایران، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی - تحزب در ایران، نشر همشهری، تهران
- اسماعیلی؛ محسن، (۱۳۸۵)، بایسته‌های حقوق مطبوعات، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.
- اسمیت؛ استیو، بیلیس؛ جان، (۲۰۰۱)، راه‌چمنی و دیگران؛ ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نویی - جلد اول، نشر ابرار، تهران.
- اشرف؛ احمد، (۱۳۷۷)، نظام صنفی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۲، تهران.
- بشیریه؛ حسین، (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی، نشر نگاه معاصر، تهران.
- بشیریه؛ حسین، (۱۳۸۶)، عقل در سیاست، نشر نگاه معاصر، تهران.
- بشیریه؛ حسین، (۱۳۸۶)، گذار از مردم‌سالاری، نشر نگاه معاصر، تهران.
- بشیریه؛ حسین، (۱۳۸۸)، موانع توسعه سیاسی در ایران، نشر گام نو، تهران.
- زیباکلام؛ صادق، (۱۳۸۰)، استبداد مانع تاریخی تحزب در ایران، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی - تحزب در ایران، نشر همشهری، تهران.
- رزاقی؛ افشین، (۱۳۸۵)، نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، نشر آسیم، تهران.
- فرقانی؛ محمدمهدی، (۱۳۷۶)، انجمن صنفی مطبوعات، دیرآمده‌ای که باید بماند، فصلنامه رسانه، شماره ۴.
- فرقانی؛ محمدمهدی، (۱۳۷۷)، استقلال حرفه روزنامه‌نگاری در طلیعه جامعه مدنی، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.
- فرقانی؛ محمدمهدی، (۱۳۸۲)، تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، فصلنامه رسانه، شماره ۲.
- قوام؛ سید عبدالعلی، (۱۳۸۲)، سیاست‌های مقایسه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
- قوام؛ سید عبدالعلی، (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، انتشارات سمت، تهران.
- کوهستانی‌نژاد؛ مسعود، (۱۳۸۳)، اسناد و گزارش‌های گروه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مطبوعاتی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.
- معتدنی‌زاد؛ کاظم، (۱۳۷۷)، بررسی شرایط پیشرفت نشریات مستقل و کثرت‌گرا، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.
- معتدنی‌زاد؛ کاظم، (۱۳۷۷)، میثاق اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، فصلنامه رسانه، شماره ۲.
- معتدنی‌زاد؛ کاظم، معتدنی‌زاد، رویا، (۱۳۸۶)، حقوق ارتباطات، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.

معمدنژاد؛ کاظم، معتمدنژاد، رویا، (۱۳۸۶)، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران جلد اول، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.

معمدنژاد؛ کاظم، معتمدنژاد، رویا، (۱۳۸۹)، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران جلد دوم، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.

نش؛ کیت، (۲۰۰۰)، دلفروز؛ محمدتقی، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر کویر، تهران.

نقیب‌زاده؛ احمد، (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، انتشارات سمت، تهران.

نقیب‌زاده؛ احمد، (۱۳۸۰)، تجربه حزب در جهان سوم، مجموعه مقالات حزب و توسعه سیاسی-مبانی نظری و آموزه‌ها، نشر همشهری، تهران.